



A Review of the Verse “and Do Not Cast Yourselfs with an with Your Own Hands into Destruction” Approach to the Cohesion and Independence of the Verses

Mohammad Bahrāmi*

Received: 2020/7/12 | Accepted: 2021/1/27

Abstract

Many commentators have considered the phrase “and do not cast yourselves with your own hands into destruction” (al-Baqarah: 195) related to its contiguous verses and do not believe in its generality so they have presented different perceptions about it. Different commentators regard this verse as either a prohibition on Infāq, or a prohibition on extravagance in Infāq, or a prohibition on stopping Infāq, or a prohibition on Infāq during Jihād, or a prohibition on Jihād itself and so on. Due to the subjectivity of making a relation between each of the levels, incompatibility with the revelation of the verse, and inappropriate perceptions of the narrations, the aforementioned interpretations are seriously taken into reconsideration because regarding the independence of the different sections of Surah al-Baqarah, the general perceptions of Ahl al-Bayt and jurisprudence writers about the verse as well as confusion in the spread of relationship, this verse is independent from its contiguous verses. This research was conducted by library study along with the assessment of different theories on the exegesis of the verse and it aims to criticize the perceptions relying on the relationship between this verse and its contiguous verses in order to prove its independence.



Keywords: The 195th Verse of Surah al-Baqarah, Siyāq (Context), Destruction, Specificity of the Verse, Generality of the Verse, Cohesion of the Verse, Independence of the Verse

* Assistant Professor in the Research Institute of Islamic Science and Culture | m.bahrāmi@isca.ac.ir

■ Bahrāmi, M. (2021) A Review of the Verse “and Do Not Cast Yourselfs with Your Own Hands into Destruction” with an Approach to the Cohesion and Independence of the Verses. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 159-178. Doi: 10.22091/PTT.2021.5340.1731





بازخوانی آیه *وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات

محمد بهرامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

چکیده

بسیاری از تفسیرنویسان، عبارت *وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* (بقره: ۱۹۵) را در ارتباط با آیات هم‌جوار دیده، عام بودن آن را باور نداشته و برداشت‌های مختلفی از آیه ارائه داده‌اند. برخی آیه را نهی از انفاق، تعدادی نهی از زیاده‌روی در انفاق، گروهی نهی از عدم انفاق، بعضی نهی از ترک جهاد، شماری نهی از انفاق در جهاد، جماعتی نهی از جهاد و غیره می‌دانند. تفاسیر یادشده به جهت ذوقی بودن سطح ارتباط، شخصی بودن برقراری ارتباط میان هر سطح، ناسازگاری با ظهور آیه و برداشت‌های ناروا از روایات به صورت جدی محل تامل و تردید قرار می‌گیرند؛ زیرا با توجه به استقلال بخش‌های مختلف سوره بقره، برداشت عام اهل بیت و فقه‌نویسان از آیه و نیز ابهام در دامنه ارتباط، این آیه مستقل از آیات هم‌جوار است. این پژوهش با مطالعه کتابخان‌های و همراه با بررسی و سنجش نظریات مختلف در تفسیر آیه شکل گرفته و هدف آن نقد برداشت‌های مبتنی بر ارتباط آیه با آیات هم‌جوار و اثبات استقلال آیه از آیات هم‌جوار است.



کلیدواژگان: آیه ۱۹۵ سوره بقره، سیاق، هلاکت، خاص بودن آیه، عام بودن آیه، پیوستگی آیه، استقلال آیه.

* استادیار پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی | m.bahrami@isca.ac.ir

□ بهرامی، م. (۱۴۰۰). بازخوانی آیه *وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۷(۱۳)، ۱۷۸-۱۵۹. Doi: 10.22091/PTT.2021.5340.1731

مقدمه

مفسران قرآن کریم در تفسیر آیات وحی، ارتباط میان آیات را در نظر گرفته و در سطح پیوستگی به شدت با یک‌دیگر اختلاف دارند. گروهی، از ارتباط میان بخش‌های مختلف یک آیه با یک‌دیگر صحبت می‌کنند؛ برخی دیگر، ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه را مسلم انگاشته، از ارتباط میان آیه با آیات هم‌جوار سخن می‌گویند و در تعیین آیات هم‌جوار با هم ناسازگاری می‌کنند؛ تعدادی، از آیات هم‌جوار فراتر رفته، مطلق ارتباط میان آیه با آیات یک سوره را مطرح می‌نمایند؛ و شماری نیز هیچ حد و مرزی برای ارتباط معتقد نیستند و مطلق ارتباط میان آیات را در هر سطحی درخور پذیرش می‌دانند. ناسازگاری گروه‌های یادشده در تفسیر برخی آیات، در سطحی است که چندین نظریه تفسیری شکل می‌گیرد و گاه در هر نظریه تفسیری، چندین اختلاف نیز دیده می‌شود.

آیه **﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾** (بقره: ۱۹۵)، یکی از آیاتی است که در تفاسیر شیعه و اهل سنت بسیار مورد اختلاف قرار گرفته و سطوح متفاوتی از ارتباط درباره آن بیان شده و به اعتبار سطح ارتباط آیه، در شمار آیات عام قرآن یا آیات خاص قرآن قرار گرفته است. بر این اساس در نوشتار پیش‌رو، تفسیر گروه‌های مختلف از آیه بیان می‌گردد و پس از نقد و بررسی هریک از نظریات، دیدگاه مختار نیز معین می‌شود.

تفسیر آیه **﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾**

مفسران شیعه و اهل سنت در چهار سطح مختلف، درباره پیوستگی این آیه بحث و بررسی کرده‌اند:

۱. برقراری پیوستگی در سطح آیه

گروهی از مفسران، ارتباط را در پایین‌ترین سطح پیوستگی قرار داده و صرفاً متذکر ارتباط میان عبارت **﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾** با صدر همین آیه یعنی عبارت **﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾** (بقره: ۱۹۵) گردیده و در نتیجه «**﴿وَلَا تُلْقُوا...﴾** را خاص و ناظر به انفاق می‌دانند. در نگاه این گروه، اصل انفاق، به دلالت «**﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾** مطلوب است و ارتباط «**﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ...﴾**» به صدر آیه، نه ناظر به اصل انفاق بلکه ناظر به شکل‌های خاصی از انفاق است. در

این سطح از پیوستگی، شش دیدگاه در مورد انفاقی که مورد نهی قرار گرفته است وجود دارد:

دیدگاه نخست: برخی مانند جبائی، نهی را فقط متوجه زیاده‌روی در انفاق می‌دانند و افراط در انفاق را عامل هلاکت معرفی می‌کنند. (طوسی، ۱۲۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۵؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۵؛ جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۸)

دیدگاه دوم: شماری نهی را متوجه افراط یا تفریط در انفاق دانسته، انحصار نهی در افراط فقط را باور ندارند. (نسفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۵؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ابن ابی زینین، ۱۴۲۳ق، ج ۱ ص ۲۰۶)

دیدگاه سوم: دسته‌ای هر دو شکل افراط و تفریط در انفاق را ناروا خوانده، نه مانند برخی نهی را ناظر به افراط انفاق فقط می‌دانند و نه مانند شماری نهی را متوجه افراط یا تفریط می‌دانند بلکه هر دو شکل افراط و تفریط را منهی عنه می‌شناسند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲ ص ۷۴) و برای اثبات درستی برداشت خود به آیه ذیل استناد می‌کنند:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان: ۶۷) «و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط برمی‌گزینند».

دیدگاه چهارم: عده‌ای نهی را متوجه کیفیت انفاق ندانسته، بلکه نهی در آیه را ناظر به متعلق انفاق می‌دانند. به باور این گروه، انفاق مال حرام در آیه نهی شده و مراد آیه این است که با انفاق مال حرام خود را هلاک نسازید. (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۵)

دیدگاه پنجم: بعضی مانند ابن عباس، حذیفه، حسن، قتاده، مجاهد، عکرمه و ضحاک، مراد آیه را نهی از عدم انفاق می‌دانند. (ازدی بلخی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۰۲؛ النحاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۰؛ ابن ابی زینین، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۳)

دیدگاه ششم: تعدادی نهی را ناظر به سخن کسی می‌دانند که می‌گوید: اگر انفاق کنم به هلاکت خواهم افتاد. (بغوی، بی‌تا، ج ۱ ص ۱۶۴؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۲)

سنجش و ارزیابی

سطح نخست از ارتباط از چند جهت درخور تامل و بررسی است:

جهت نخست آن که برقراری ارتباط در پایین‌ترین سطح (ارتباط بخش‌های مختلف آیه با یک‌دیگر) و انکار سطوح بالاتر پیوستگی، ذوقی و شخصی است و از منطق خاصی پیروی نمی‌کند؛ به این معنا که طرف‌داران ارتباط در سطح نخست، دلایل یا دلایل قانع‌کننده‌ای برای قطع ارتباط آیه با آیات قبل و پیوستگی قسمت‌های مختلف یک آیه ندارند، در حالی که هم وابستگی و ارتباط یک آیه به آیات قبل و هم استقلال یک آیه از آیات قبل باید بررسی شود و دلایل استقلال و وابستگی بیان گردد. برای نمونه، در مورد بحث باید اثبات گردد که آیه مورد بحث، بخشی از آیه پیشین یا تاکید، تفسیر، اعتراض و تشدید نسبت به آیه قبل نیست. (زرکشی، ۱۳۷۶ش، ج ۱ ص ۳۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲ ص ۲۹۰)

جهت دوم آن که برقراری ارتباط در سطح آیه سلیقه‌ای است و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند، در صورتی که در برقراری پیوستگی میان بخش‌های مختلف هر آیه، تعیین نسبت قسمت‌ها به یک‌دیگر ضروری است. اگر یک قسمت نسبت به فراز دیگری از آیه تقریر، تفسیر، تبیین، تفصیل، مصداق و... در نظر گرفته شود، میان آن بخش‌ها ارتباط است و گرنه به صرف قرار گرفتن دو جمله در یک آیه در کنار یک‌دیگر نمی‌توان مدعی ارتباط میان بخش‌های مختلف آیه گردید. (زرکشی، ۱۳۷۶ش، ج ۱ ص ۳۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲ ص ۲۹۰)

جهت سوم آن که پیوستگی در سطح آیه، به شش دیدگاه یادشده محدود نیست و می‌توان احتمالات دیگری نیز مطرح ساخت. برای نمونه، می‌توان به قرینه «انفقوا فی سبیل الله»، عبارت «وَلَا تَلْفُتُوا...» را ناظر به انفاق در غیر سبیل الله دانست یا این که نهی در «وَلَا تَلْفُتُوا...» را ناظر به منع از انفاق به مشرکان معرفی کرد.

جهت چهارم آن که دیدگاه‌های شش‌گانه به هلاکت انفاق‌کننده ختم نمی‌گردد. برای نمونه، نظریه نهی «وَلَا تَلْفُتُوا...» از تفریط در انفاق و دیدگاه نهی «وَلَا تَلْفُتُوا...» از انفاق مال حرام، به هلاکت منفق ختم نمی‌شود مگر در صورتی که معنای هلاکت را بسیار عام فرض کنیم و عذاب دنیوی و اخروی و زیان مالی و جانی را هلاکت بشناسیم؛ اما این معنای از هلاکت، مراد خداوند نیست و برداشت‌های اهل بیت (ع) از آیه نیز با این گونه فرض عام، سازگار نیست، بلکه بیش‌تر ناظر به هلاکت دنیوی و هلاکت اخروی است و زیان مالی و جانی را پوشش نمی‌دهد. برای نمونه، در روایت امام باقر (ع)، عدول از ولایت اهل بیت به هلاکت دنیوی و

اخروی، در روایت پیامبر (ص)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع)، ترک طاعت سلطان و تن ندادن به ولایت عهدی مامون با وجود تهدید به قتل مامون به هلاکت دنیوی می‌انجامد. (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ش، ج ۳ ص ۱۰)

جهت پنجم آن که برخی از صاحبان دیدگاه‌ها، با وجود برقراری ارتباط میان بخش‌های مختلف آیه و در نتیجه خاص گردانیدن نهی در «وَلَا تَلْقُوا...»، از آیه برداشت عام دارند و احکامی را از آیه استنباط می‌کنند که نه از قبیل انفاق است و نه افراط و تفریط در انفاق؛ در حالی که در بحث پیوستگی، آیات مرتبط مفسر یک‌دیگر قرار می‌گیرند و مراد خداوند را آشکار می‌سازند. اگر یک آیه ناظر به یک موضوع خاص است و آیه دیگر عام دیده می‌شود به قرینه آیه خاص، آیه عام را خاص می‌گردانیم. بر این اساس در مورد بحث نیز عبارت «وَلَا تَلْقُوا...»، به جهت ارتباط با صدر آیه، خاص خواهد شد و عمومیت خود را از دست می‌دهد. به بیان دیگر، پیوستگی «وَلَا تَلْقُوا...» با «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» عبارت «وَلَا تَلْقُوا...» را از عمومیت می‌اندازد و آیه را خاص و ناظر به انفاق می‌گرداند و مستندسازی برداشت عام این شمار از مفسران به قاعده جری و انطباق، درخور توجیه نیست؛ چه این که قاعده یادشده، در مواردی جاری می‌شود که آیه عام است و سبب نزول آیه خاص. در این گونه موارد، مفسران بر این باورند که خصوص سبب نزول، عموم آیه را از میان نخواهد برد و آیه عام با وجود سبب خاص، هم‌چنان عام است و نسبت به تمامی مصادیق خود جاری است و نمی‌شود آن را به یک مصداق مشخص محدود کرد؛ اما در تفسیر آیه و برداشت‌های مختلفی که از آیه صورت گرفته، بحث سبب نزول مطرح نیست بلکه بحث ارتباط آیه «وَلَا تَلْقُوا...» با «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و نحوه تفسیر «وَلَا تَلْقُوا...» با توجه به «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است و با این نگاه، فهم مفسر از آیه به سیاق پیوند می‌خورد و فهمی مستقل از سیاق اصلا شکل نمی‌گیرد که اگر چنین فهمی را مفسری درست می‌شناخت، آیه را مستقل از سیاق تفسیر می‌کرد. به عبارت دیگر، تفسیر گر متن، یا به سیاق و بافت متن توجه دارد یا ندارد. اگر به سیاق توجه دارد و سیاق آیه را خاص می‌بیند باید به لوازم آن نیز تن بدهد و چنان که در نسبت میان عام و خاص، عام را به خاص تخصیص می‌زند، در نسبت میان سیاق و آیه نیز آیه به سیاق تخصیص می‌خورد و از عمومیت ساقط می‌شود و در نتیجه اصلا عامی باقی نخواهد

مانند تا کسی مجال تمسک به قاعده جری و انطباق برای تسری عام در موارد مشابه داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر ارتباط سیاق به آیه مانند ارتباط خاص و عام باشد، در این صورت سیاق منفصل، حکم خاص منفصل را خواهد داشت و چنان که خاص منفصل عام را تخصیص می‌زند و از عمومیت می‌اندازد، سیاق منفصل نیز آیه را از عمومیت می‌اندازد و در نتیجه عامی باقی نمی‌ماند تا قاعده جری و انطباق در مورد آن جاری گردد و اگر به سیاق توجه نمی‌کند و یا سیاقی را که در فهم متن دخالت می‌دهد، سیاق خاص است، آیه هم‌چنان عام خواهد ماند و می‌توان هر فعل و ترک منجر به هلاکت را به استناد آیه واجب و حرام معرفی کرد و درست با این نگاه، وجوب دفع قاتل، عدم جواز مخالفت با سلطان، وجوب تقیه، پرداختن نفقه، عدم جواز عدول از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، یاس از بخشش خداوند و... به آیه مورد بحث مستند شده است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵ ص ۳۴۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷ ص ۲۷۲؛ صدوق، بی‌تا، ج ۲ ص ۱۲۷؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶۱؛ ابن‌شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱ ص ۴۶۷؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵ ص ۱۵۸؛ هبثی، ۱۴۰۸، ج ۶ ص ۳۱۷؛ نعمان مغربی، ۱۴۱۴ق، ج ۱ ص ۲۳۷)

۲. برقراری ارتباط در سطح آیه و سیاق منفصل

گروهی از مفسران، ارتباط را محدود به قسمت‌های مختلف آیه نکرده، بلکه در مرحله نخست، مدعی ارتباط «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۱۹۵) با سیاق منفصل «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره: ۱۹۰) هستند و در مرحله دوم، ارتباط عبارت «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» با بخش نخست آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۱۹۵) را باور دارند. این شمار با برقراری ارتباط میان دو مرحله یادشده، یک زنجیره ارتباطی میان امر به جهاد، امر به انفاق و نهی از به هلاکت افکندن خویش درست می‌کنند و در منهی عنه «وَلَا تَلْقُوا...» سه دیدگاه مختلف ابراز می‌کنند:

دیدگاه نخست: برخی «وَلَا تَلْقُوا...» را نهی از ترک جهاد و ترک انفاق در جهاد می‌شناسند. (آلوسی، بی‌تا، ج ۲ ص ۷۷)

دیدگاه دوم: گروهی «وَلَا تَلْقُوا...» را نهی از افراط و تفریط انفاق در جهاد می‌بینند. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲ ص ۳۵؛ مغنیه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸؛ مغنیه، ۱۹۸۱م، ج ۱ ص ۳۰۱،

طباطبایی، بی تا، ج ۲ ص ۶۴؛ نحاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱ ص ۱۱۲؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱ ص ۱۵۶)

تفریط در انفاق برای جهاد، توانایی و قدرت دفاعی را از میان می برد و افراط در انفاق برای جهاد، انفاق کننده را خوار و بیچاره می کند و به هلاکت او می انجامد. دیدگاه سوم: تعدادی «وَلَا تَلْقُوا...» را نهی از ترک انفاق در جهاد معرفی می کنند. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱ ص ۲۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ش، ج ۲ ص ۳۵؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱ ص ۱۵۵؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱ ص ۱۹۴) ترک انفاق در جهاد از آن جهت منهی عنه قرار گرفته است که ترک انفاق، به غلبه دشمن و شکست مسلمانان می انجامد.

نقد و بررسی

اول آن که هیچ معیاری برای برقراری ارتباط با سیاق منفصل و عدم ارتباط آیه با سیاق متصل وجود ندارد.

دوم آن که تعیین آیه جهاد به عنوان سیاق منفصل و عدم برقراری ارتباط با دیگر آیات منفصل، سلیقه ای است و از هیچ قاعده و اصلی پیروی نمی کند.

سوم آن که تعداد دیدگاه ها در سطح پیوستگی میان آیه و سیاق منفصل، محدود به سه دیدگاه یادشده نیست و می توان احتمالات دیگری نیز برای این سطح از پیوستگی مطرح ساخت. برای نمونه، «وَلَا تَلْقُوا...» را نهی از افراط در انفاق و تفریط در جهاد کرد یا این که نهی را متوجه ترک افراط در جهاد یا تفریط در جهاد نمود.

چهارم آن که تفسیرگرانی که مدعی ارتباط در سطح آیه و سیاق منفصل هستند، در مواردی دیگر «وَلَا تَلْقُوا...» را عام پنداشته، برداشت های مختلفی از آن دارند؛ برای نمونه فخر رازی، سمعانی و آلوسی، با وجود اعتقاد به ارتباط آیه با آیات دیگر، انجام دادن حرام از طرف مکره، جواز فرار از جنگ و وجوب هجرت را از آیه نتیجه می گیرند (فخر رازی، بی تا، ج ۲ ص ۱۲۲؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲ ص ۲۵۴؛ آلوسی، بی تا، ج ۳ ص ۱۲۲). مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی نیز با پیش فرض ارتباط آیه با آیات دیگر، ترک امر به معروف در شرایط خاص و صلح با کافران و یاغیان و جواز فرار از جنگ را از آیه به دست می آورند

(طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲ ص ۳۵؛ علامه طباطبایی، بی تا، ج ۲ ص ۶۴)، در صورتی که با فرض پیوستگی، آیه عمومیت نخواهد داشت و استناد به قاعده جری و انطباق نیز چنان که پیش از این گفته شده، ثمربخش نیست.

پنجم آن که دیدگاه‌های یادشده نیز لزوماً به هلاکت انفاق‌کننده ختم نمی‌گردد؛ برای نمونه، ترک انفاق در جهاد در دیدگاه اول و سوم به هلاکت منفق نمی‌انجامد و «وَلَا تَلْقُوا...» نسبت به چنین افرادی صادق نیست و در نظر گرفتن یک معنای عام برای هلاکت، با مراد خداوند و فهم اهل بیت از آیه سازگار نیست.

۳. برقراری پیوستگی در سطح آیه و سیاق متصل

برخی از مفسران، ارتباط را محدود به قسمت‌های مختلف آیه نمی‌کنند بلکه در مرحله نخست، از ارتباط صدر آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» با سیاق متصل «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ...» (بقره: ۱۹۴) سخن می‌گویند و در مرحله دوم، عبارت «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» را به عبارت «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۱۹۵) پیوند می‌زنند و در نتیجه مراد از عبارت «وَلَا تَلْقُوا...» را منع از ترک انفاق در مقابله به مثل با دشمن می‌دانند. (فخر رازی، بی تا، ج ۵ ص ۱۴۸)

ارزیابی و نقد

اول آن که پیوستگی در این سطح نیز از قاعده و اصل خاصی پیروی نمی‌کند و کاملاً دلخواهی است.

دوم آن که در این سطح از پیوستگی، نظریات دیگری نیز درخور طرح هستند مانند نهی از ترک افراط در مقابله به مثل با دشمن یا ترک تفریط در مقابله به مثل با دشمن و یا نهی از افراط و تفریط در مقابله به مثل با دشمن.

سوم آن که محدودسازی ارتباط به سیاق متصل و قطع ارتباط آیه با دیگر آیات، فاقد دلیل و یا حتی تناسب موضوعی و واژگانی است، به خصوص آن که قید «فی سبیل الله» سازگاری چندانی با اصل مقابله به مثل ندارد.

چهارم آن که ترک اصل انفاق و حتی افراط و تفریط در انفاق به معنای هلاکت اصطلاحی نیست؛ چه این که تجاوز دشمن در سیاق متصل به معنای جنگ سراسری و

هلاکت مسلمانان نیست بلکه مقابله به مثل در مقام منع مشرکان از طواف کعبه است و در نظر گرفتن یک معنای عام برای هلاکت، با مراد خداوند و فهم و برداشت اهل بیت از آیه هم‌خوان نیست.

پنجم آن که پیوستگی در سطح آیه و سیاق متصل به خاص بودن «وَلَا تَلْقُوا...» به ترک انفاق در مقابله به مثل با دشمن می‌انجامد؛ در صورتی که فخر رازی در مواردی دیگر، این خاص بودن را باور ندارد و یا دست کم تنها مصداق نهی نمی‌داند و «وَلَا تَلْقُوا...» را مستند و جوب انجام دادن حرام از سوی مکره قرار می‌دهد (فخر رازی، بی‌تا، ج ۲۰ ص ۱۲۲). مستندسازی دیدگاه وی، به قاعده جری و انطباق چنان که گفته شد نادرست و مردود است.

۴. برقراری ارتباط میان آیه و سیاق منفصل

شماری از مفسران قرآن، سطح دوم و سوم را باور ندارند و ارتباط را در دو سطح (۱) قسمت‌های مختلف یک آیه ۲. ارتباط آیه با سیاق متصل یا منفصل) برقرار نمی‌کنند، بلکه مدعی پیوستگی در یک سطح واحد هستند و آن هم ارتباط عبارت «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» با سیاق منفصل «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره: ۱۹۰) است. در این سطح از ارتباط نیز دو دیدگاه مختلف درخور رهگیری است:

دیدگاه نخست: در این دیدگاه که ابویوب انصاری مطرح کرده است، نهی در آیه «وَلَا تَلْقُوا...»، ناظر به ترک جهاد است. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲ ص ۹۲؛ نسفی، بی‌تا، ج ۱ ص ۹۵؛ ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۱ ص ۱۶۴)

دیدگاه دوم: شماری مانند بلخی، نهی در آیه «وَلَا تَلْقُوا...» را ناظر به ورود بی‌محابا و بدون آمادگی و پشتیبانی به جهاد می‌دانند. (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱ ص ۳۳۵؛ ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۱ ص ۱۶۶؛ نسفی، بی‌تا، ج ۱ ص ۹۵؛ ابن‌ابی حاتم رازی، بی‌تا، ج ۱ ص ۳۳۱)

این دسته بر خلاف طرف‌داران نظریه اول، دوم و سوم، هیچ نقشی برای عبارت «وَلَا تَلْقُوا...» در رسیدن به مراد «وَلَا تَلْقُوا...» قائل نیستند و عبارت «وَلَا تَلْقُوا...» را ناظر به انفاق نمی‌دانند بلکه ناظر به جهاد می‌دانند و مراد آیه را نهی از ترک جهاد و نهی از ورود بی‌محابا به جهاد می‌شناسند.

ارزیابی و سنجش

اول آن که بی توجهی به سیاق متصل و بخش نخست آیه و برقراری ارتباط «وَلَا تَلْقُوا...» با سیاق منفصل، کاملاً ذوقی و شخصی است.

دوم آن که محدودسازی سیاق منفصل به آیه جهاد و قطع نظر از آیات دیگری که در سیاق منفصل قرار گرفته و ارتباط نزدیک‌تری با «وَلَا تَلْقُوا...» دارند، از هیچ قاعده و اصل مشخصی پیروی نمی‌کند و کاملاً دلخواهی می‌نماید.

سوم آن که افزون بر دو دیدگاه یادشده، نظریات دیگری نیز در سطح ارتباط آیه «وَلَا تَلْقُوا...» با سیاق منفصل درخور طرح است. برای نمونه، می‌توان نهدی در «وَلَا تَلْقُوا...» را ناظر به وجوب و ضرورت جهاد دانست؛ به این معنا که با انکار وجوب جهاد خود را به هلاک نیفکنید یا این که نهدی ناظر به ترک جهاد در صورت ظن به کشته شدن باشد.

چهارم آن که پیوستگی در سطح یادشده، نهدی در «وَلَا تَلْقُوا...» را خاص و تنها ناظر به ترک جهاد یا ورود بدون آمادگی و تجهیزات به جهاد می‌گرداند در صورتی که برخی مفسران آیه «وَلَا تَلْقُوا...» را عام می‌دانند و در ابواب و احکام مختلف به آن استناد می‌کنند و مستندسازی برداشت مفسران به قاعده جری و انطباق نیز چنان که در بررسی سطح نخست ارتباط گفته شده درخور پذیرش نیست.

۵. نظریه مختار

با توجه به تاملاتی که در تمامی نظریات مبتنی بر ارتباط عبارت * «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) با آیات دیگر وجود دارد، عبارت «وَلَا تَلْقُوا...» مانند حکم به جهاد در سیاق پیشینی و حکم به حج و عمره در سیاق پسینی، مستقل از آیات هم‌جوار است و در نتیجه مانند جهاد و حج در شمار عمومات قرآن قرار خواهد گرفت و تمامی شکل‌های به هلاکت افکندن را ناپسند معرفی می‌کند. چنان که خودکشی با اسلحه و کارد و هر وسیله برنده دیگری حرام است، نخوردن محرّمات در صورتی که فرد مضطر باشد و به مرگ او انجامد یا رفتن به سفری که مرگ به همراه دارد یا وضو گرفتن در شرایطی که به مرگ فرد ختم گردد و...، خودکشی خواهد بود و مشمول نهدی شارع خواهد شد.

برخی از مهم‌ترین دلایل و شواهد این نظریه عبارتند از:

۵.۱. استقلال بخش‌های مختلف سوره بقره

سوره بقره از بخش‌های مختلفی شکل گرفته که در یک دسته‌بندی کلی عبارتند از: آیه ۱ تا ۹ در مورد مومنان، کافران و منافقان سخن گفته شده، از آیه ۹ تا ۲۱ زشتی‌های منافقان بیان گردیده، از آیه ۲۱ تا ۲۸ دلایل توحید، نبوت و معاد ذکر شده، از آیه ۲۸ تا ۴۰ نعمت‌های عام آمده، از آیه ۴۰ تا ۶۰ نعمت‌های خاص بنی اسرائیل به صورت اجمال و تفصیل روشن شده، از آیه ۶۰ تا ۱۲۴ قبایح اسلاف یهود، یهودیان عصر پیامبر پیش از بعثت و پس از بعثت یاد می‌شود، از آیه ۱۲۴ تا ۱۳۳ داستان ابراهیم (ع) ذکر می‌گردد، از آیه ۱۳۳ تا ۱۳۴ قصه یعقوب (ع) بیان می‌شود و از آیه ۱۳۵ تا ۱۶۴ شبهات مخالفان اسلام و پاسخ ایشان آورده می‌شود، از آیه ۱۶۴ تا ۱۷۲ دلایل وجود خدا و توحید حق تعالی آورده می‌شود و از آیات ۱۷۲ تا ۲۴۳ (که آیه مورد بحث در این مجموعه قرار می‌گیرد) احکام شرعی بیان می‌گردد. در آیات ۱۷۲ تا آیه ۱۷۷ این مجموعه، خوردن مال حلال و انواع محرمات ذکر می‌شود. در آیه ۱۷۸ تا ۱۷۹ حکم قصاص، در آیات ۱۸۰ تا ۱۸۲ حکم وصیت، در آیه ۱۸۳ تا ۱۹۰ حکم روزه و برخی احکام زیر مجموعه روزه، در آیه ۱۹۰ تا آیه ۱۹۵ حکم جهاد بیان می‌گردد و در آیه ۱۹۵ انفاق، افکندن خویش به هلاکت و نیکی به دیگران آورده می‌شود. افزون بر این، در میان آیات یادشده آیاتی وجود دارد که از قسمت‌های مختلفی شکل گرفته و بخش‌های پسین ناظر به قسمت‌های پیشین نیست؛ برای نمونه، عبارت «وَأَتُوا التَّرْكَاتِ» در آیه *وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا التَّرْكَاتِ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ* (بقره: ۴۳)، ناظر به بخش نخست «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» نیست و هیچ گونه وابستگی مفهومی ندارد، بلکه خود حکم مستقلی است؛ چنان که در آیه *وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ - وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا التَّرْكَاتِ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ* (بقره: ۸۳) چندین حکم مستقل و غیروابسته به یکدیگر در کنار هم قرار گرفته است.

بنابراین چنان که هیچ یک از احکام یادشده وابسته به حکم قبلی نیست و هر یک مستقل از دیگری دیده می‌شود و اشتراک آن‌ها تنها در بیان احکام است، عبارت «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» نیز مستقل از آیات پیشین خواهد بود.

۵.۲. برداشت‌های عام از آیه

پیامبر (ص)، اهل بیت (ع)، برخی تفسیر گران قرآن و شماری از فقها، این آیه را عام می‌شناسند و مجموعه‌ای از برداشت‌ها را به آیه مستند می‌سازند که وجوب طاعت سلطان، وجوب دفع دشمن، وجوب تقیه، جواز شرب خمر، جواز اکل میت، جواز اکل خنزیر، جواز فرار از جنگ، جواز خوردن مال غیر و...، تنها بخشی از برداشت‌های عام پیامبر، اهل بیت، مفسران و فقها از آیه است. (شرینی، بی‌تا، ج ۲ ص ۲۳۹؛ النووی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹، ص ۲۴۷؛ صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۸؛ صدوق، بی‌تا، ج ۲ ص ۱۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶ ص ۲۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰ و ج ۶، ص ۲۷۵؛ ابن البراج، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۸؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۳۲؛ جعفر حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۶؛ حسن حلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۹؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۴؛ فخر رازی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۲۲) هم‌چنین اگر در برخی روایات آیه خاص دیده شده و معنای آیه محدود به سیاق متصل یا منفصل آیه شده و در نتیجه احکامی چون ناپسندی انفاق تمامی دارایی، نهی از ترک جهاد، نهی از انفاق و جهاد (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۵۳؛ صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۷؛ اشعث سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۶۴؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۵) از آیه استنباط شده است، این گروه از روایات ناسازگار با گروه نخست از روایات نیست؛ چه این که برداشت‌های خاص اهل بیت از آیه نه از باب معنای آیه بلکه از باب بیان مصداق است، به خصوص آن که اهل بیت برداشت‌های خاص خویش را در مقام بیان احکام و پاسخ به پرسش‌های مخاطبان مطرح فرموده‌اند نه آن که در مقام تفسیر آیه و بیان ارتباط میان آیه و آیات دیگر قرآن باشند. برای نمونه، امام صادق (ع) در مقام اثبات ناپسندی انفاق تمام مال از آیه بهره می‌گیرد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۵۸)

۵.۳. موارد و مصادیق انفاق

ارتباط «وَلَاتَلَقُوا...» به صدر آیه «وَأَنْفَقُوا...» و ارتباط صدر آیه به جهاد و مقابله به مثل که در سه صورت از چهار صورت بیان شده بود و ارتباط «وَلَاتَلَقُوا...» با آیه جهاد که در صورت چهارم آمده است، مصادیق و موارد «وَلَاتَلَقُوا...» و «وَأَنْفَقُوا...» را کاملاً روشن می‌سازد و در این صورت، مصادیق و موارد انفاق برای مخاطب آشکار خواهد شد؛ در

صورتی که آیه *يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ* (بقره: ۲۱۵) که در سیاق پسینی آمده است، از ابهام مصادیق و موارد انفاق نزد مخاطب قرآن حکایت دارد و ابهام نیز از این واقعیت پرده برمی دارد که آیه انفاق کاملاً مستقل از آیات پیشینی و پسینی است که اگر مستقل نبود، مخاطب قرآن از موارد مصرف انفاق سوال نمی کرد بلکه می پرسید چه چیز را انفاق کند؟

۴.۵. دامنه ارتباط

آیه «وَلَا تَلْفُوا...» در سه سطح اول و دوم و سوم با آیات پیشین در ارتباط قرار گرفته و بر اساس ارتباط تفسیر می گردد. این آیه در سطح نخست، تنها با صدر آیه «وَأَنْفِقُوا...» و در سطح دوم و سوم، با آیه جهاد و آیه مقابله مرتبط دیده می شود. براین اساس، این سوالها مطرح می گردد:

- ملاک و معیار ارتباط میان آیات چیست و دامنه ارتباط چه اندازه است؟

- آیا ارتباط میان آیات قرآن تنها محدود به آیات هم جوار است یا آیات غیر هم جوار

نیز در دامنه ارتباط قرار می گیرند؟

باتوجه به این که انواع مختلفی از ارتباط میان آیات قرآن وجود دارد، به گونه ای که فخر رازی از حدود بیست نوع ارتباط میان آیات قرآن بهره می گیرد و افزون بر این تاکید و اصرار خاصی بر برقراری ارتباط تنها میان آیات هم جوار وجود ندارد، بنابر این ارتباط آیه مورد بحث به دو آیه جهاد و مقابله به مثل محدود نخواهد ماند و به دیگر آیات غیر هم جوار نیز که به نوعی مرتبط با آیه مورد بحث می شوند، کشیده خواهد شد. برای نمونه، ارتباط «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» با آیه *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...* (بقره: ۱۷۲) از ارتباط با آیه جهاد و مقابله به مثل اولویت بیش تری دارد.

در آیه *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا...*، اهل ایمان به خوردن نعمات پاکیزه دعوت می شوند و در آیه *وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...*، انفاق نعمات خداوند مطلوب خوانده می شود و در ادامه *وَلَا تَلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* از زیاده روی در انفاق نعمات خداوند که به

هلاکت می‌انجامد منع می‌کند و انفاقی را مطلوب معرفی می‌نماید که به هلاکت فرد انفاق کننده ختم نگردد.

نتیجه

آیه **«وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»** مستقل و عام است و در ارتباط با آیات هم‌جوار و غیر هم‌جوار قرار ندارد؛ زیرا اولاً با فرض ارتباط، موارد و مصادیق انفاق مبهم نخواهد بود در صورتی که بر اساس آیه ۲۱۵ سوره بقره، موارد و مصادیق انفاق برای صحابه نامشخص است و به این جهت از پیامبر در این مورد پرسش می‌کنند. ثانیاً چنان‌که آیاتی در سوره بقره وجود دارد که در ارتباط با آیات هم‌جوار نیستند مانند آیات جهاد، حج و... آیه مورد بحث نیز مستقل از آیات هم‌جوار و در نتیجه مفید عموم است. ثالثاً برداشت عام اهل بیت و فقه نویسان از آیه، از عدم ارتباط آیه با آیات هم‌جوار حکایت دارد که اگر آیه با آیات هم‌جوار ارتباط داشته باشد، در این صورت آیه به قرینه سیاق خاص خواهد بود و در شمار آیات عام قرآن قرار نخواهد گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الزمین، محمد بن عبدالله، تفسیر ابن زمین، قاهره: الفاروق الحدیثه، ۱۴۲۳ق.
۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمان بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، به تحقیق اسعد محمد الطیب، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳. ابن ادیس حلی، محمد، السرائر، چاپ دوم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن البراج، عبدالعزیز، جواهر الفقه، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن الجوزی، عبدالرحمان، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، لبنان: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۷ق.
۶. ابن العربی، محیی الدین، احکام القرآن، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، لبنان: دارالفکر للطباعه و النشر، بی تا.
۷. ابن شعبه الحرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ش.
۹. ازدی بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دارالکتب، ۱۴۲۴ق.
۱۰. اشعث سجستانی، سلیمان، سنن ابی داوود، تحقیق اللحام، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر، ۱۴۱۰ق.
۱۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۲. بخاری، محمد، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر، ۱۴۰۱ق.
۱۳. بغوی، حسین، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق خالق عبدالرحمان العک، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۴. ثعلبی، احمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. جصاص، احمد، احکام القرآن، تحقیق شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک، تحقیق مرعشی، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۷. -----، تحقیق عبدالرحمان المرعشی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۸. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، تحقیق آل البیت، قم: موسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق.
۱۹. حسینی شیرازی، محمد، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت: دارالعلوم للتحقیق، ۱۴۲۴ق.
۲۰. حلی، جعفر، شرائع الاسلام، تحقیق صادق شیرازی، طهران: استقلال، ۱۴۰۹ق.
۲۱. حلی، حسن، مختلف الشیعه، چاپ دوم، قم: نشر اسلامی، بی تا.
۲۲. زرکشی، محمد، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶ش.
۲۳. سجستانی، ابوداود، سنن ابی داوود، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۴. سمرقندی، ابواللیث، تفسیر السمرقندی، تحقیق مطرجی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۵. سمعانی، منصور، تفسیر السمعی، تحقیق یاسر بن ابراهیم و دیگران، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۸ق.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید المنسوب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۷. شربینی، محمد، الإقناع فی حل ألفاظ ابی شجاع، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.

۲۸. صدوق، محمد، *الامالی*، چاپ اول، قم: مرکز الطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
- ۲۹.-----، *الخصال*، تحقیق غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۳۰.-----، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق غفاری، قم: نشر اسلامی، بی‌تا.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: نشر اسلامی، بی‌تا.
۳۲. طبرسی، فضل، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت: موسسه اعلمی، ۱۴۱۵ق.
۳۳. طوسی، محمد، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق عاملی، چاپ اول، بی‌جا: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۲۰۹ق.
- ۳۴.-----، *الخلاص*، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ۳۵.-----، *المبسوط*، تحقیق کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه، بی‌تا.
۳۶. فخر رازی، محمد، *التفسیر الکبیر*، چاپ سوم، بی‌جا: بی‌تا.
۳۷. قرطبی، محمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تحقیق البردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۸. قطب راوندی، محمد، *فقه القرآن*، تحقیق حسینی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۳۹. کلینی، محمد، *الکافی*، تحقیق غفاری، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۴۰. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر المبین*، چاپ دوم، بی‌جا: موسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۴۱.-----، *الکاشف*، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۱م.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: امام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۹ش.
۴۳. نحاس، ابی جعفر، *معانی القرآن الکریم*، تحقیق صابونی، چاپ اول، مکه: بی‌تا، ۱۴۰۹ق.
۴۴. نسفی، ابوالبرکات، *مدارک التنزیل و حقائق التاویل*، بی‌جا: بی‌تا.
۴۵. نعمان مغربی، محمد، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار*، چاپ دوم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴۶. النووی، ابوزکریا، *المجموع*، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۴۷. واحدی نیشابوری، ابوالحسن، *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، تحقیق داوودی، چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۵ق.

Bibliography

The Noble Qur'ān.

Other References

- Al-Nawawi, Abou Zakariyā, *al-Majmou'*, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Ālousi, Mahmoud, *Rouh al-Ma'āni fi Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, N.P: N.N, N.D.
- Ash'ath Sajestāni, Solaymān, *Sonan Abi Dāvoud*, Researched by al-Lehām, Beirut: Dār al-Fekr lel-Tebā'ah va al-Nashr, 1410 A.H.
- Azodi Balkhi, Maqātel Ibn Solaymān, *Tafsir Maqātel Ibn Solaymān*, Beirut: Dār al-Kotob, 1424 A.H.
- Baghawi, Hosayn, *Ma'ālem al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'ān*, Researched by 'Abd al-Rahmān al-'Ak, Beirut: Dār al-Ma'refah, N.D.

- Bokhāri, Mohammad, *Sahih al-Bokhāri*, Beirut: Dār al-Fekr lel-Tebā'ah va al-Nashr, 1401 A.H.
- Fakhr Rāzi, Mohammad, *al-Tafsir al-Kabir*, 3rd ed., N.P: N.N: N.D.
- Hākem Neyshābouri, Mohammad Ibn 'Abdollah, *al-Mustadrak*, Researched by Mar'ashili, N.P: N.N: N.D.
- Hākem Neyshābouri, Mohammad Ibn 'Abdollah, *al-Mustadrak*, Researched by 'Abd al-Rahmān Mar'ashi, Beirut: Dār al-Ma'refah: N.D.
- Helli, Hasan, *Mokhtalef al-Shi'ah*, 2nd ed., Qom: Nashr-e Islāmi, N.D.
- Helli, Ja'far, *Sharāye' al-Islām*, Researched by Sādeq Shirāzi, Tehran: Isteqlāl, 1409 A.H.
- Horr 'Ameli, Mohammad, *Vasā'el al-Shi'ah*, Researched by Āl al-Bayt, Qom: Āl al-Bayt Institute, 1414 A.H.
- Hosayni Shirāzi, Mohammad, *Taqrib al-Qur'ān elā al-Azhān*, Beirut: Dār al-'Oloum lel-Tahqiq, 1424 A.H.
- Ibn Abi al-Zammin, Mohammad Ibn 'Abdollah, *Tafsir Ibn Zammin*, Cairo: al-Fārouq al-Hadithah, 1423 A.H.
- Ibn Abi Hātam Rāzi, 'Abd al-Rahmān Ibn Mohammad, *Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, Researched by As'ad Mohammad al-Tayyeb, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Ibn al-'Arabi, Mohy al-Din, *Ahkām al-Qur'ān*, Researched by Mohammad 'Abd al-Qāder 'Atā, Lebanon: Dār al-Fekr lel-Tebā'ah va al-Nashr, N.D.
- Ibn al-Borāj, 'Abd al-'Aziz, *Jawāher al-Feqh*, Qom: Nashr-e Islāmi, 1411 A.H.
- Ibn al-Jozay, 'Abd al-Rahmān, *Zād al-Masir fi 'Elm al-Tafsir*, 1st ed., Lebanon: Dār al-Fekr, 1407 A.H.
- Ibn Idris Helli, Mohammad, *al-Sarā'er*, 2nd ed., Qom: Nashr-e Islāmi, 1410 A.H.
- Ibn Shahr Āshoub, Mohammad, *Manāqeb Āl-e Abi Tāleb*, Najaf: al-Heydariyah, 1376 S.H.
- Ibn Sho'bah al-Harāni, Hasan, *Tohaf al-'Oqoul 'an Āl al-Rasoul*, Researched by 'Ali Akbar Ghaffari, Qom: Nashr-e Islāmi, 1404 A.H.
- Jassās, Ahmad, *Ahkām al-Qur'ān*, Researched by Shahin, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1415 A.H.
- Kolayni, Mohammad, *al-Kāfi*, Researched by Ghaffāri, 5th ed., Tehran: dār al-Ketāb al-Islāmiyah, 1363 S.H.
- Makārem Shirāzi, Nāser, *al-Amthal fi Tafsir Ketāb Allāh al-Manzal*, Qom: Imām 'Ali Ibn Abi Tāleb, 1379 S.H.
- Moghniyah, Mohammad Javād, *al-Kāshef*, Beirut: Dār al-'Elm lel-Mollāiin, 1981.
- Moghniyah, Mohammad Javād, *al-Tafsir al-Mobin*, 2nd ed., N.P: dār al-Ketāb al-Islāmi, 1403 A.H.
- Na'mān Maghrebi, Mohammad, *Sharh al-Akhbār fi Fazā'el al-A'emmah al-Athār*, 2nd ed., Qom: Nashr-e Islāmi, 1414 A.H.
- Nasafi, Abou al-Barakāt, *Madārek al-Tanzil va Haqā'eq al-Ta'wil*, N.P: N.N, N.D.
- Nohās, Abi Ja'far, *Ma'āni al-Qur'ān al-Karim*, Researched by Sābouni, 1st ed., Mecca: N.N, 1409 A.H.
- Qortobi, Mohammad, *al-Jāme' le-Ahkām al-Qur'ān*, Researched by al-Bardouni, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, N.D.
- Qotb Rāvandi, Mohammad, *Feqh al-Qur'ān*, Researched by Hosayni, Qom: Āyatollāh Mar'ashi Najafi Library, 1405 A.H.
- Sadouq, Mohammad, *al-Amāni*, 1st ed., Qom: Markaz al-Tabā'ah va al-Nashr, 1417 A.H.

- Sadouq, Mohammad, *al-Khesāl*, Researched by Ghaffāri, Qom: Nashr-e Islāmi, 1403 A.H.
- Sadouq, Mohammad, *Man Lā Yahzarah al-Faqih*, Researched by Ghaffāri, Qom: Nashr-e Islāmi, N.D.
- Sajestāni, Abou Dāvoud, *Sonan Abi Dāvoud*, Researched by Sa'id Mohammad al-Lehām, Beirut: Dār al-Fekr, 1410 A.H.
- Sam'āni, Mansour, *Tafsir al-Sam'āni*, Researched by Yāser Ibn Ibrāhim et. al., Riyadh: Dār al-Vatan, 1418 A.H.
- Samarqandi, Abou al-Layth, *Tafsir al-Samarqandi*, Researched by Matraji, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Sharbini, Mohammad, *al-Iqnā' fi Hall Alfāz Abi Shojā'*, Beirut: Dār al-Ma'refah, N.D.
- Soyouti, Jalāl al-Din, *al-Itqān fi 'Oloum al-Qur'ān*, Researched by Sa'id al-Mandoub, Beirut: Dār al-Fekr, 1416 A.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *al-Mizān fi Tafsir al-Qur'ān*, Qom: Nashr-e Islāmi, N.D.
- Tabarsi, Fazl, *Majma' al-Bayān fi Tafsir al-Qur'ān*, 1st ed., Beirut: A'lami, 1415 A.H.
- Tha'labi, Ahmad, *al-Kashf va al-Bayān 'an Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1422 A.H.
- Tousi, Mohammad, *al-Khelāf*, Qom: Nashr-e Islāmi, 1407 A.H.
- Tousi, Mohammad, *al-Mabsout*, Researched by Kashfī, Tehran: al-Mortazawiyah, N.D.
- Tousi, Mohammad, *al-Tebyān fi Tafsir al-Qur'ān*, Researched by 'Āmeli, 1st ed., N.P: al-I'lām al-Islāmi, 1209 A.H.
- Vāhed Neyshābouri, Abou al-Hasan, *al-Vajiz fi Tafsir al-Ketāb al-'Aziz*, Researched by Dāvoudi, 1st ed., Beirut: Dār al-Qalam, 1415 A.H.
- Zarkashi, Mohammad, *al-Borhān fi 'Oloum al-Qur'ān*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrāhim, N.P: Dār Ehyā' al-Kotob al-'Arabiyah, 1376 S.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت(ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارتان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱.. بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سوره شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سوره نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی(ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم(ص) از نائبرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست‌های مسلمان و فمینیست‌های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هَذَا رَجِي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم‌انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سوره انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیان‌فر | سید محمود طیب حسینی

